

نگاهی بر سیر تاریخی سنت برقع پوشی در حوزه خلیج فارس

بابک باباخانی

کارشناسی ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام

زینب بهاروند

کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس

اکرم احمدی

کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس

چکیده

برقع یک نوع پوشش است که به عنوان وسیله ای تزئینی هم به عنوان حجاب و هم برای جلوگیری از آفتاب سوختگی در برخی نقاط جنوبی ایران و جزایر خلیج فارس به کار برده می شود که استفاده از آن جزو عادات و سنن ایرانی نبوده و طی سالیان بسیار دور از طریق مهاجرین عربی و غربی که از آن طرف آب های خلیج فارس به ایران آمده اند وارد شده است. ایرانیان برقع را به معنای مطلق، روبند به کار می برند که استفاده از این کلمه در قرن ششم هجری و در آثار ادبی، خصوصاً در اشعار خاقانی، نظامی گنجوی و عطار بوده است که گویا در همان ایام نیز استفاده از برقع در نواحی جنوبی ایران رواج پیدا کرده است، هر چند که مردم هر منطقه ای از جنوب برقع های مخصوص به خود داشته و دارند؛ برخی ساده و برخی تزئینی قابل ذکر است اصل آن چه که از ابتدا رواج پیدا کرد با هدف جلوگیری از آفتاب سوختگی بوده که بعدها کم کم صورت دینی (حجاب) و سپس تزئینی نیز پیدا کرد و اکنون بیشتر چنین کاربردی از آن می شود، که تسری آن در بین زنان جنوبی ایران به صورت روزآمدی جزو فرهنگ عمومی بخشی از آنان را شامل می شود. در این مقاله سعی شده است با توجه به اهمیت و جایگاه برقع در پوشش زنان ساکن حاشیه خلیج فارس به سابقه تاریخی استعمال آن در نواحی فوق الذکر و کاربرد تاریخی استفاده از برقع پرداخته شود. روش مورد استفاده در نگارش و تدوین مقاله حاضر کتابخانه ای (توصیفی-تحلیلی)، و تحقیقات میدانی می باشد. نتایج حاصل از مقاله حاضر می تواند در درک چگونگی استفاده از برقع در ادوار تاریخی ایران به عنوان یک پدیده اجتماعی و نهایتاً تغییر در کارکرد فعلی آن، مؤثر واقع شود. واژگان کلیدی: برقع، حجاب، زنان، سواحل خلیج فارس، زینت آلات.

مقدمه

برقع یک واژه عربی است و دارای معانی کاربردی مختلفی است که حجاب و پوشاندن، بستن و... از آن جمله است. هم اکنون در صحرای طوارق، عربستان، امارات جنوب خلیج فارس، سلطان نشین عمان و مسقط برقع مورد استفاده قرار می گیرد. بنا به گزارش برخی پژوهش ها و اسناد استفاده از برقع در میان زنان جنوب ایران از زمان حضور پرتغالی ها در سواحل جنوبی ایران زمینه افزایش یافت و برخی نیز گسترش و رواج استفاده از این پوشش را به طور عام زمان مغولان و در میان زنان جنوبی ایران به زمان صفویه نسبت می دهند.

لازم به ذکر است شاعرانی همچون نظامی گنجوی در اشعار خود استفاده از برقع توسط زنان جنوب ایران را مورد نکوهش قرار داده اند که هم دلیلی به استفاده از این پوشش در آن زمان می باشد. عده ای نیز بر آنند که برقع متعلق به فرهنگ مردم ایران نبوده، و زینتی ایرانی نیز به حساب نمی آید و استفاده از آن قدمت و دیرینگی زیادی ندارد بلکه از فرهنگ دیگر کشورهای مهاجر به نجد ایران، خصوصاً سواحل جنوبی ایران در زمان های مختلف بوده است.

آن چه استفاده از برقع به عنوان روپند را برای زنان ایرانی ساکن جنوب به عنوان یک ارزش معرفی کرد نقش حجاب گونه آن بود که خود حجاب مورد تأکید دین اسلام و قرآن است و در طول زمان جنبه پوششی آن که مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان مسلمان است آن را به عنوان یک حجاب مورد تأکید و تأیید قرار داد. چنانکه در برخی نواحی جنوبی خلیج فارس برقع هایی بلند که تا پایین زانوهای زنان را می پوشاند را مشاهده می کنیم.

مسأله تحقیق:

- ۱- آیا برقع فقط جنبه تزئینی دارد یا به کارکرد دینی آن به منظور حجاب نیز توجه می شود؟
- ۲- آیا برقع به عنوان یک پوشش، مخصوص زنان ایرانی بوده است یا از خارج مرزهای ایران وارد شده و توسط زنان ایرانی رواج پیدا کرده است؟
- ۳- نقش فرهنگی اجتماعی، برقع پوشی به عنوان یک رفتار در طول تاریخ چگونه بوده است؟ سابقه تحقیق: با توجه به اینکه برقع به عنوان یک پوشش در جنوب ایران عمومیت دارد تا کنون به صورت علمی و مستند سابقه رواج و تأثیر آن در بین زنان آن دیار مورد تفحص و تحقیق قرار نگرفته و کارهای تحقیقی مستقل در این خصوص قلیل و ناچیز می باشند.

اهمیت تحقیق:

چه عاملی موجب شد تا برقع که ابتدا برای جلوگیری از آفتاب سوختگی مورد استفاده قرار می گرفت به عنوان یک زینت برای زنان مطرح شود.

اهداف تحقیق:

- بررسی سیر تاریخی و معنایی رواج برقع به عنوان یک پوشش در بین زنان جنوب ایران.
- بررسی دلایل تغییر کارکرد برقع از شکل حجاب گونه آن به شکل تزئینی و نمایشی.
- بررسی نقش مهاجران عرب در رواج و مهاجمان خارجی به ایران در تثبیت برقع به عنوان یک رفتار اجتماعی.

الف) وجه تسمیه برقع:

برقع به معنای روبند زنان، در اصل عربی بوده و در متون کهن عربی، همچون دیوان متنبی و ابوالعلاء معری و صحاح جوهری، به معنای «جهاز ستور» و «روی بند» زنان عرب به کار رفته است. (دزی، ۱۳۴۵، ص ۶۳). ایرانیان برقع را به معنای مطلق «روبند» به کار می برند. کاربرد کلمه برقع در آثار قدیمی پارسی مثل: حدودالعالم، تاریخ بیهقی و دیوان ناصر خسرو، بیشتر به معنای روبند ستور بوده است، اما از قرن ششم هجری کلمه برقع در غزلیات و بویژه در تشبیهات و استعاره ها، آن هم به معنای روبند زنان و شاهدان استفاده گردید و با الفاظی مثل: زدن، برافکندن، بستن، برداشتن، فروهستن، دریدن و..... همراه شد. (ر.ک: خاقانی؛ ۱۳۶۸، ص ۵، ۱۳۵، ۲۲۱، عطار؛ ۱۳۶۲، ص ۵۴۲، سعدی؛ ۱۳۴۰، صص ۶۱۲، ۷۲۸، ۴۴۵، ۵۹۲، ۳۶۶، ۳۷۷، حافظ؛ ۱۳۷۱، ص ۱۳۲).
برقع به زنان جوان شهری اختصاص داشته و شامل پیرزنان شهری و زنان روستایی نبوده است، هرچند که منعی برای استفاده از آن برای این دو قشر وجود نداشته است. (دزی، ۱۳۴۵، ص ۶۵، به نقل از فریزر). درباره شکل و طرز دوخت روبند ستوران اطلاعی در دست نیست، اما شکل، نحوه دوخت و تزئین و چگونگی پوشیدن برقع (به معنای روبند زنان) در زمانهای مختلف و در سرزمین های اسلامی تنوع زیادی داشته است.

گفته می شود که برقع توسط اسماعیلی ها در قیام هایشان بر علیه سلاجقه به منظور عدم شناسایی توسط آنان مورد استفاده قرار گرفت و لذا اسماعیلی ها اولین مردمانی بودند که از برقع در ایران استفاده کردند. چنانکه فرونی استرآبادی می نویسند «در زمان حسن صباح بیشتر اکابر دلیر به میان

مردم در نمی آمدند برای آنکه کسی ایشان را نشناسد پیوسته پرده بر صورت می افکندند که آنرا برقع می گفتند و در آن روزگار حسن صباح فدائیان و پیروان خود را «رفقا» میگفت. (میرزا محمدعلی چهاردهی، ۱۳۴۵، شماره ۹)

مردم هر منطقه‌ای از جنوب ایران برقع را به اشکال مختلفی تلفظ می کنند. مردم منطقه بندر لنگه به برقع بتوله (با فتح حرف اول و تاء مضموم)، که در زبان عربی به معنای بَتَل batal یعنی قطع کننده، بریده شده است و نیز معانی‌ای همچون پرنشاط، پرذوق، حجاب و پوشاندن دارد. ساکنان حوزه ساحلی بلوچستان به آن بُرکه borke و مردمان ناحیه هرمزگان همان برقع یا برقا را به کار می برند که البته ما باید بدانیم منظور از بتوله، برکه و برقا همان برقع می باشد. مردم مناطق شمال بندر لنگه و جنوب استان فارس (لارستان) تبيله tabile می گویند.

(ب) منشاء برقع:

کشور یونان باستان را منشاء استعمال برقع دانسته‌اند چنانکه زنان یونان قدیم چهره خود را به وسیله گوشه‌ای از روسری خود می پوشانده‌اند و نیز زنان مناطق خاصی از یونان با روپوش مخصوص که در جزایر کوس و ارکوس koosvarkoos صناعت می شده خود را از دیگران می پوشاندند. (انجم روز، ۱۳۷۱، ص ۲۳). زنان فینیقی نیز مانند زنان یونان روی خود را با پارچه‌ای قرمز رنگ می پوشاندند (همان، ص ۲۴).

به اعتقاد مؤلف سیر تاریخی برقع از باستان تا به امروز، ملکه های یونان از برقع استفاده می کرده- اند (همان، ص ۸۷). به گفته دزی (دزی، ۱۳۴۵، ص ۶۳) تا قرن یازدهم، از برقع اثری نبوده و شواهد استفاده از آن مربوط به اوایل قرن دوازدهم است. در میان عشایر مصری نوعی نقاب رایج بوده است که بی شباهت به برقع نیست و شامل پارچه‌ایست که دو بریدگی برای دیدن چشم ها دارد. در سده دوازدهم/هجدهم کنت دوشابرل، سفرنامه نویس فرانسوی، از برقع به عنوان «پرده‌ای از کتان سفیدنازک» که زنان در خارج از خانه استفاده می کنند، نام برده است. ویت من تصویری از یک زن مصری طبقه متوسط نشان داده که برقی سیاه، چهره و نیمی از بدنش را پوشانده است (همان).

جنس و نوع دوخت برقع در میان زنان طبقه های بالا، متوسط و پایین جوامع متفاوت و مختلف بوده است. گویا باز ماندگان خاندان پیامبر (ص) برقع سبز می پوشیدند، که البته باید به

دوره و زمان نقل خبر توجه کرد(همان، ص ۶۴). اگر منشاء استعمال برقع در میان زنان یونانی و فینیقی دانسته شود، سیر اشاعه و ترویج استفاده از آن را در میان مردمان اسپانیا، صحرای طوارق، عربستان، امارت جنوب خلیج فارس، سلطنت نشین عمان و مسقط و نیز پس کرانه‌های دریای خلیج فارس و آب‌های مکران باید جستجو کرد.

ج) اهمیت برقع و حجاب از نظر اسلام

نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف»، که برخاسته از حقایق دین بوده به عنوان پاسخی مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش‌های فطری جامعه انسانی می‌باشد که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسر می‌سازد و انتخاب حجاب در واقع تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه‌های این حقیقت از بطن قرآن و احادیث قابل دسترسی است.

حجاب از دو بعد لغوی و اصطلاحی قابل تعریف است. در بعد لغوی به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است؛ چنان که ابن منظور می‌نویسد: «الحجاب: الستر... و الحجاب اسم ما احتجب به و ما کل ما حال بین شئین: حجاب... و کل شیء منع شیئاً فقد حجبه...» (ابن منظور، ۲۰۰۰م، ص ۳۶).

«حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی می‌اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع چیز دیگر شود او را حجب نموده است. در جایی دیگر خداوند منان می‌فرماید: «و من بیننا و بینک حجاب» (سوره فصلت: آیه ۵) «میان ما و شما حاجز و فاصله‌ای در نحله و دین وجود دارد» نیز بدین معنا به کار رفته است.

شهید مطهری واژه حجاب را با تأکید بر مفهوم پوشش به کار می‌برد. کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب اما غالب استعمال آن به معنای پرده است، شاید به آن دلیل که پرده برای پوشش است. بنا بر معنی لغت آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت بپذیرد.

در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید به این شکل توصیف شده است: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (سوره ص: آیه ۳۲). تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.

در کتب لغت فارسی برای واژه حجاب معانی مختلفی همچون: «برده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را به آن می پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سر تا پای خود را بدان می پوشانند.» (معین، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴۰) (عمید، ۱۳۶۷، ص ۵۵۷) به کار برده شده است. اما در قرآن و حدیث با توجه معنای لغوی آن به کار رفته و معنای خاصی غیر از آن پیدا نکرده است.

شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد: «مورد استعمال کلمه [ستر به پوشش در مفهوم] حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. ..بهرتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم... پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۶۴)

شهید مطهری از اقوام دارای حجاب قبل از اسلام به مردان ایران باستان و قوم یهود و هند اشاره می کند و معتقد است حجاب آنان از آنچه که در قانون اسلام آمده است سخت تر بوده اما اعراب جاهلی را فاقد حجاب می داند و حجاب در میان آنان را پس از اسلام عنوان می کند (همان، ص ۵) حجاب در کلام الله مجید در سوره های نور و احزاب به صراحت و وضوح بیان شده است. نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین اسلام، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان است که نه تنها تک بُعدی نیست؛ بلکه ابعاد و جوانب شخصیت زن مسلمان در بعد مادی و معنوی را مد نظر قرار داده است.

حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده و گرایش های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگرچه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود، و هند مرسوم بوده است. اسلام نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب بوجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشت و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است.

حجاب از منظر قرآن و اسلام به چند دسته تقسیم می شود: **حجاب در نگاه:** سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱؛ سوره لقمان آیه ۱۹، **حجاب در گفتار:** سوره احزاب آیه ۳۲. **حجاب در رفتار:** سوره نور آیه ۳۱، سوره احزاب آیه ۳۳، و **حجاب در قلب:** سوره احزاب آیه ۵۳، برای آن که کسی حریم

الهی را در حیظه‌ی تعامل با افراد نامحرم به درستی رعایت نموده و حیظه حجاب و پوشش را حفظ کند، لازم است بعد قلبی حجاب را جدی تلقی نماید و در این زمینه، تسامح و تساهل روا ندارد که دروازه دل، چشم است و دل کتاب چشم است. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۶۳۱۵).

چنانکه اشاره شد پیش از ظهور و گسترش دین اسلام در عربستان، حجاب به عنوان یک پوشش کامل در جزیره العرب معمول نبود و در سال پنجم هجری آیاتی راجع به حجاب بر پیامبر نازل گردید و از آن پس مورد تأکید اسلام و پیامبر قرار گرفت چرا که حجاب علاوه بر تهذیب حدفاصل بین افساد و اصلاح معرفی شد و از آنجایی که حجاب و پوشش به عنوان یک مصونیت مورد تأکید دین اسلام قرار گرفت چادر و برقع نیز معمول گشت و به عنوان یک امر خوب حمایت شد چنان که آورده شده است زنان هنگام صحبت با مردان نا محرم روی خود را بپوشانند، که این خود به نوعی می تواند به عنوان ترویج روبند یا برقع تلقی شود.

بسیاری از شعرای سده های میانه معتقدند برقع حجاب کامل نبود و حُجب آفرین نیز نیست، بلکه نگاه آفرین است و آنرا از نظر اسلامی فتنه انگیز دانسته‌اند، لذا آنرا تقبیح کرده‌اند، اما برخی دیگر از شعرا آنرا حجاب دانسته و حُجب آفرین؛ اما آنچه که اهمیت دارد تأکید قرآن و احادیث است که به مسأله حجاب توجه و تأکید کرده‌اند. (انجم روز، ۱۳۷۱، صص ۳۲-۳۰)

(د) برقع در ادب پارسی

پرداختن به واژه برقع در اشعار ادیبان و شاعران ایرانی سده ششم هجری همچون خاقانی، نظامی و عطار و در سده هفتم هجری و پس از آن در اشعار سعدی و حافظ... دلیل بر اهمیت و رواج این پدیده اجتماعی در آن ایام دارد.

نکته قابل توجه و تعمق در این خصوص نظرات مختلف و متفاوت این شاعران در مورد برقع است چنان که برخی آن را مدح و برخی آن را نکوهیده اند و دلیل آن تعلق یا عدم تعلق آن به فرهنگ ایرانی و یا نظرات شخصی آنان در خصوص حجابی که برقع میان آنان و معشوق به وجود می آورد. عنوان شده است.

نگارینی که من دارم اگر برقع براندازد نماید زینت و رونق نگارستان مانی را

(عطار، ۱۳۸۷، ص ۳)

برخی معتقدند برقع از زمان حملات شاپور اول و شاپور دوم به خارج از ایران خصوصاً سرزمین اعراب وارد ایران شد و لذا آن را متعلق به فرهنگ ایرانی ندانسته و حتی آن را به عنوان زینتی برای زنان نیز به حساب نمی آورد:

ای مدنی برقع و مکی نقاب
سایه نشین چند بود آفتاب
ز برقع نیستشان بر روی بندی
که نارد چشم زخم آنجا گزندی
(خمس نظامی، ۱۳۴۴، ص ۱۵۷)

بر افکند برقع از محراب جمشید
که حاجتمند برقع نیست خورشید
(خمس نظامی، ۱۳۴۴، ص ۳۳۶)

هر گنج که برقی نبوشد
در بردن آن جهان بکوشد
(خمس نظامی، ۱۳۴۴، ص ۴۷۲)

در برخی اشعار گاهی وجود برقع عاشق را می آزارد زیرا شرطی دلدادگی این است که بین ناظر و منظور هیچ حجاب و پرده ای نباشد و این تنها شرط یک رنگی می باشد:
ای کاش برافتادی برقع ز روی لیلی
تا مدعی نماندی مجنون مبتلا را
(سعدی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

حافظ معتقد است دیدن جمال یار باعث ایجاد فتنه و بی قراری می شود
حاجت مطرب و می نیست تو برقع بگشا
که برقص آوردم آتش رویت چو سپند
(حافظ، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴)

لازم به توضیح است که بیشترین تکرار کلمه برقع در خسرو و شیرین نظامی و سپس در لیلی و مجنون می باشد.

ه) تأثیر مهاجرت در توسعه سنت برقع پوشی:

مهاجرت گروهی از مردم بیابان طوارق (که گویا پوشیدن برقع در بین آنان مرسوم بوده است) به نقاط مختلف عربستان، عمان و کرانه های دریای عمان سبب انتقال سنت برقع پوشی به این نواحی شد و اندک اندک برقع به لحاظ شکل و فرم به گونه های متفاوت و مختلفی ساخته شد. از آن جایی که برخی محققان منشأ اصلی این پوشش را یونان دانسته اند و انتقال آن را از یونان به اسپانیا و سپس صحرای طوارق و بربر و کرانه های عربستان، عمان و بالاخره به کرانه های شمالی خلیج فارس ذکر کرده اند برقع در طوارق و بربر تنها جنبه حجاب و رویگیری نداشته، بلکه استعمال آن بیشتر به خاطر حفظ چهره از بادهای گرم موسمی و سپس جلوگیری از تابش آفتاب صحرا بوده است. شایان ذکر است که انتقال سنت برقع پوشی در ایران به زمان ساسانیان و به دوران فرمانروایی شاپور اول و دوم از پادشاهان آن سلسله که در سفرهای جنگی شان به سرزمین اعراب و انتقال اسرای عرب به ایران صورت گرفته است. گویا اسرای عرب در نواحی خوزستان فعلی اسکان داده شده و پراکنده گشتند چنانکه در زمان ورود اسلام به ایران بیشترین جمعیت اعراب نیز در خوزستان اسکان یافتند و آن هم شاید به دلیل نزدیکی به مراکز خلافت از مدینه تا کوفه و بغداد بوده است و هم البته به سابقه سکونت اعراب در آن ناحیه از سرزمین ایران مربوط می شده است. شکی نیست که استعمال برقع متعلق به ایرانیان نیست و در تواریخ اجتماعی نیز به آن بر نمی خوریم.

امروزه گروه های نژادی عرب در خوزستان عمدتاً فاقد برقع می باشند و این شاید به این دلیل باشد که برقع جزء عادات تمام اعراب نبوده است، اما امروزه در نواحی جنوبی ایران و نواحی خلیج فارس از مشخصه های زنان بوده که در هر روستا و شهری و مطابق با هر رسمی نوع و رنگ آن فرق می کند. « بطوریکه هم اکنون برقع مورد استفاده زنان جنوب خلیج فارس شفاف و درخشان و آغشته به نیل است » (حجاب جنوب، شماره ۴۷).

در قدیم پارچه برقع از هند به عنوان تحفه، توسط دریانوردان به ارمغان آورده شده و در ایران به یک پوشش منحصر به فرد تبدیل می شد آن هم برای صورت زنان قبيله.

تاریخ دقیق ورود برقع به ایران در دست نیست اما نسب به استفاده از آن توسط اسماعیلیان و سپس در دوره مغول بنا به گفته بارتلد اشپولرکه « زنان هنگام بیرون رفتن از خانه در حجاب بوده

و برقع بر رخ می افکندند به طوری که هیچ گوشه از صورت آن ها نمایان نمی شد و کمتر در معابر رفت و آمد می کردند» (اشپولر، ۱۳۵۱، ص ۳۹۶).

همچنین در زمان هجوم پرتغالی ها و بعد از آن انگلیسی ها به جنوب ایران و استفاده از آن توسط زنان جنوب به ویژه خطه هرمزگان و جزایر آن به عنوان حجاب مضاعف اتفاق نظر وجود دارد. در دایره المعارف لاروس در مورد این پوشش نیز اطلاعاتی در دست است.

(و) برقع از لحاظ برشی ساختمان در استان هرمزگان به شرح زیر قابل طبقه بندیست:

- ۱- برقع بانوان بلوچ کرانه های دریای عمان، در شهرستان جاسک
- ۲- برقع بانوان بندرعباس
- ۳- برقع بانوان روستایی بندرعباس در کشار، کلات،...
- ۴- برقع بانوان گاوبندی (به جزء مرکز گاوبندی)، بوچیر، بدهه و کناردان که نک بلندی دارد.
- ۵- برقع بانوان بندرهای شیب کوه، جزیره های کیش، هندرابی، لاوان، ... (انجم روز، ۱۳۷۱، صص ۷۸-۷۷)

برقع های قشمی در عین تنوع از نظر ساختار کلی شبیه به هم هستند، فرمی ساده که غالباً هیچ گونه دوخت تزئینی ای روی آن به کار نمی رود و تنها در برش محل چشم ها، فواصل بین گونه ها، شکل ظاهری و محیطی آن با هم متفاوت اند. رنگ تمامی این برقع ها یکسان است و پارچه های برقع را با رنگ های براق به نام **نیل برقع** که یک نوع رنگ شیمیایی است رنگ می کنند. برقع لافتی ها کمی کشیده است و تقریباً تا نزدیکی گوش را می پوشاند و باعث میشود چشم ها بیشتر شود.

برقع زنان «رمکان» در جزیره قشم قدری متفاوت تر است، در این برقع علاوه بر چشم ها گونه هم کاملاً مشخص است. برقع جزایر خلیج فارس کوتاه و شامل نوارهای نازکی است که روی ابروها و بینی را می پوشاند و نوار نسبتاً پهنی که لب ها را از نظر پنهان می دارد.

پارچه برقع بندری، سیاه و گاه از چرم است، دارای زاویه باز و ۸ مانند است که پایین آن به صورت منحنی است و چوبی که از نخل تهیه می شود در قسمت وسط دو چشم قرار می دهند به نام **پنگ** مغ؛ و این در مناطق دیگر هرمزگان مثل میناب و جاسک فرق می کند.

بند برقع که به آن قیطان گفته می شود با وسایل خاصی به نام « جوغن زری » ساخته می شود برای بستن برقع به دور سر. انتخاب رنگ برقع ها جایگاه اجتماعی و طایفه فرد را مشخص می کند (حجاب جنوب، شماره ۴۷).

ز) نقش رنگ برقع در معنا و تعیین جایگاه آن:

رنگ برقع برای زنان جنوب فقط وسیله ای برای تزئین و زیبایی نیست. هر رنگی مفهوم ویژه ای داشته و سنت خاصی را از گذشته تا حال در خود دارد. بار معنایی این رنگ ها را می توان تقریباً به طور یکسان و با تفاوت های کمی در سراسر سواحل خلیج فارس دید؛ مثلاً برقع مشکی کامل که جنسش از پارچه مشکی است مخصوص زن های ماتم زده است (زنانی که شوهرانشان مرده باشند). پیر زنان منطقه بشاگرد این رنگ از برقع را همیشه بر چهره دارند.

برقع قرمز به برقع بلوچی معروف است و در بخش جنوب شرقی بلوچستان استفاده می شود و مخصوص زنان متأهل است که هم در خانه هم بیرون از خانه استفاده می کنند. برقع زرشکی مخصوص دختران مجرد یا عقد کرده است و غالباً ساده و بدون تزئین است. گاهی این نوع برقع را زنان هم استفاده می کنند، سیاه نیست و بیشتر در ایام محرم و صفر هم استفاده می شود و با نوع دخترانه اش قدری متفاوت است چون دارای تزئینات می باشد. رنگ دیگر برقع که مفهوم خاصی دارد نارنجی است، که آن را بیشتر دختران به صورت می زنند، اما بانوان تازه عروس هم با تزئیناتی بیشتر تا مدت ها استفاده می کنند و خاص ایام عروسی است. در این برقع الیاف طلا و پلاک طلا و نخ ابریشم برای بافت و تزئین استفاده می شود. (حسینی، صص ۱۲۳ و ۱۱۷. نیز ن ک: انجم روز، ۱۳۷۱، صص ۲۷ و نیز ن ک: حجاب جنوب، شماره ۴۷).

برقع انواعی دارد؛ بعضی پهن و بزرگ که همه صورت را می پوشاند و تنها دو سوراخ در مقابل چشم ها در آن وجود دارد و بقیه برقع ها نازک و قیطانی بوده و تنها قسمتی از چشم ها و ابروها را می گیرد (نوربخش، صص ۴۳۵). در لهجه بستکی و نیز در لارستان فارس بتوله و برقع را تبیله می گویند (انجم روز، ۱۳۷۱، صص ۱۳۳). زنان رودانی از برقع استفاده نمی کنند و فقط در قدیم نوعی روبند بر صورت می زده اند (موحد، ۱۳۸۴، صص ۲۴۴). اما برکه یا برقع از پوشاک سنتی زنان بومی جزیره کیش است (معمدی، ۱۳۸۰، صص ۲۴۴).



نوعی برقع مخصوص خانم های ثروتمند خلیج فارس، در این تصویر قیطان ها به خوبی نمایش داده شده است .



برقع دختران مجرد



برقع خانم های بیوه



برقع خانم های متأهل

انواع برقع:

برقع حالا بیشتر در بین زنان سالخورده روستایی و در مناطقی همچون میناب، جاسک، قشم و بندرعباس استفاده می شود اما استفاده از آن در بین زنان اهل سنت طرفداران بیشتری دارد و در بین دختران نسل حاضر هر مزگان بیشتر جنبه تزئینی دارد. استفاده از برقع هر روز طرفداران کمتری پیدا می کند و نسل جدید با پوشش امروزی استفاده از این پوشش را به حاشیه برده اند و آن را بیشتر در مراسم های آیینی خاص، جشن ها و عروسی ها استفاده می کنند.

استفاده از برقع، بدون لباس مخصوص زنان سواحل خلیج فارس و به تنهایی معنی نمی دهد. ما در اینجا انواع برقع را به لحاظ شکل و زیبایی و مرغوبیت آن تقسیم بندی می کنیم.

- ۱- برقع زنان بحرینی، قطری، کویتی که شکل واحدی دارند.
- ۲- برقع زنان امارات متحده عربی
- ۳- برقع زنان بادیه نشین عمان
- ۴- برقع زنان سواحل باطنه عمان و مسقط که شبیه به برقع زنان عرب امارات متحده عربی است.
- ۵- برقع زنان بلوچ ساکن مکران
- ۶- برقع زنان بندرعباس
- ۷- برقع زنان روستایی بندرعباس در کشار و کلات و...
- ۸- برقع زنان گاویندی به جز مرکز گاویندی و بوچیر و بهده و کناردان
- ۹- برقع زنان بنادر شبیکوه شهرستان بندر لنگه

در میان انواع برقع ذکر شده، چهره گیرترین نوع برقع همان برقع مورد استفاده روستائیان بندرعباس و اعراب بدوی عمان است و زیباترین نوع برقع در ساحل شمال خلیج فارس برقع زنان بحارنه شیعه مذهب و عرب زبان بندرلنگه است. زشت ترین نوع برقع را زنان ساحلی و روستائیان بندرعباس دارند و اما پرهزینه ترین و پرخرج ترین نوع برقع، بتوله مهاجرین بحرینی بندر لنگه و زنان امارات متحده عربی است. (انجم روز؛ ۱۳۷۱، صص ۲۸ و ۲۷-۲۷).



تصویر یک زن بندری با پوشش محلی

نتیجه:

نقش دین و باورها و آداب و سنن به همراه موقعیت جغرافیایی مردم هر سرزمینی در شکل گیری نوع پوشش آنان در طول تاریخ بسیار مؤثر و دارای اهمیت می باشد از جمله عواملی دیگر که در انتخاب نوع و شکل لباس مؤثر است تأثیر و تأثرات فرهنگی است که در ارتباط با تمدنهای گوناگون حاصل شده، که گاه بر اثر مهاجرت اقوامی به یک منطقه و گاه بر اثر پذیرش قومی مهاجر در یک سرزمین به وقوع می پیوندد که در این میان نباید از محیط جغرافیایی و شرایط آب و هوایی در انتخاب و نوع و شکل پوشش ها و آثار آن بر روی البسه غافل شد چرا که عاملی مهم و تأثیرگذار است.

آن چه از شواهد و قرائن به دست می آید اینست که برقع به شکل خاص امروزی آن از عادات عرب بوده است و توسط آنان به عنوان یک پوشش و یا زینت بر چهره زنان خودنمایی می کرده و در تمامی منطقه خاورمیانه و شمال افریقا تا اسپانیا به دلایل مهاجرت و تهاجم در طول تاریخ صادر گردید. هر چند برخی منابع استفاده از روی بند را در زمان باستان و به یونانیان نسبت می دهند. چرا که در میان ایرانیان باستان، یونانیان و برخی دیگر اقوام حجاب وجود داشته و با

مفهوم و شکل آن نا آشنا و بیگانه نبوده اند، بلکه با ظهور دین مبین اسلام و تسری و نفوذ آن در جوامع فوق الذکر نقش حجاب در جوامع بشری به صورت عالمانه تری مورد توجه قرار گرفت تا از برخی افراط و تفریط ها جلوگیری به عمل آمده و در ایران نیز آن را به زمان ساسانیان و دوران شاپور اول و دوم ساسانی که بسیاری از اعراب اسیر را در خوزستان امروزی ساکن کرد نسبت می دهند.

برقع در خلیج فارس توسط اقوام مهاجر عرب در بنادر و جزایر و روستاها پراکنده گردید و زنان ایرانی و بومی ساکن این مناطق ضمن اینکه از برقع و ابزار آن به دور بودند آن را پذیرفته و اشاعه دادند چنانکه در دوره مغول بنابر اسناد موجود برقع توسط زنان در تمامی ایران استعمال می شده است. و لذا برقع از سوغات مهاجران عرب به این منطقه ابتدا به شکل تزئینی و سپس در ادوار مختلف به عنوان حجاب استفاده شد.

به جز برقع، شیله و بتوله تن پوش و روپوش زنان عرب و عرب زاده ها بوده است. گاهی شعراء محلی و سخنگویان لارستان و جنوب کشور برقع را نقاب یا روبند نام نهاده اند و برقع و بتوله را به نام نقاب و روبند به استعاره گرفته اند. مولانا محمد نامی شاعر معتقد است که برقع حجاب نیست و نمی تواند باشد که در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد چرا که عده ای معتقد به نقش حجاب گونه برقع هستند و لذا آن را برای حفظ حجاب می دانند.

آنچه که مسلم است نخست زنان عرب و سپس زنان ایرانی سواحل خلیج فارس از برقع برای حفظ پوست از آسیب آفتاب سوختگی و بادهای گرم سوزان به همراه گرد و خاک سود می جسته اند و استفاده می کرده اند که بعدها طی ورود اقوام مهاجم ترک و مغول و در دوره اخیر اروپاییان به بعد حجاب گونه آن بیشتر توجه شده، و امروزه شکل تزئینی آن مورد توجه قرار گرفته و اندکی تغییر کارکرد داده است.

اکنون در بسیاری مناطق جنوبی ایران برقع صورت تزئینی پیدا کرده است و بسیار گران قیمت می باشد هم چنین اکثر دختران جوان با پوشش امروزی همچون بسیاری اسباب و لوازم سنتی در ایران از برقع استفاده نمی کنند که دلیل آن را باید در رشد و پیشرفت تکنولوژی و راه های مختلف جلوگیری از گرما و آفتاب سوختگی و نیز مدگرایی و نظایر آن جستجو کرد.

برقع اکنون در میان زنان مسن و روستائیان بیشتر استفاده می شود و دختران اگر هم از آن استفاده کنند از نوع تزئینی آن و در مراسم ها و جشن ها خواهد بود.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم، ۱۳۸۰، (ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای)، گلبان، تهران.
- ۲- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ۱۳۶۱، (ترجمه محمدعلی موحد)، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۳- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، ج ۴، ۲۰۰۰م، لسان العرب، دارصادر، بیروت.
- ۴- اجتهادی، مصطفی، ۱۳۸۲، دایره المعارف زن ایرانی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران.
- ۶- اسپولر، بارتولد، ۱۳۵۱، تاریخ مغول در ایران، سیاست، و فرهنگ دوره ایلخانان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۷- اقتداری، احمد، ۱۳۷۵، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، انجمن آثار ملی و مفاخر فرهنگی، روایت، تهران.
- ۸- -----، ۱۳۵۶، خلیج فارس، [بی.م.]، شرکت سهامی کتاب های جیبی با همکاری فرانکلین، تهران.
- ۹- انجم روز، عباس، ۱۳۷۱، برقع پوشان خلیج فارس و دریای عمان و سیر تاریخی برقع از باستان تا به امروز، تهران.
- ۱۰- خاقانی، ۱۳۶۸، دیوان، چاپ ضیاءالدین سجادی، تهران.
- ۱۱- حافظ، ۱۳۸۱، دیوان حافظ، به تصحیح محمد قدوسی، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، ابوالفضل علی محمدی، نشر چشمه، تهران
- ۱۲- -----، ۱۳۷۱، دیوان غزلیات مولانا شمس الدین محمد خواجه حافظ شیرازی، چاپ خلیل خطیب رهبر، تهران.
- ۱۳- حجاب جنوب، ۱۵ اسفند ۱۳۸۹، همشهری ماه، شماره ۴۷، www.rasekhoon.net
- ۱۴- حسینی، پروین، بی تا، شناخت فرهنگ، نوع پوشش، در نواحی حاشیه خلیج فارس (تحقیق میدانی)، مجموعه مقالات همایش بین المللی، خلیج فارس (همایش ۳)، بنیاد ایرانشناسی، تهران.
- ۱۵- دُزی، راینهارت پیتران، ۱۳۴۵، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، تهران

- ۱۶- سعدی، ۱۳۶۸، منتخبی از غزلیات سعدی شیرازی، شرکت کارآفرینان فرهنگ و هنر، تهران.
- ۱۷- -----، ۱۳۴۰، متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی، چاپ مظاهر مصفا، تهران.
- ۱۸- شهشهرانی، سهیلا، ۱۳۷۴، تاریخ پوشش سر در ایران، مدیر، تهران.
- ۱۹- عطار نیشابوری، ۱۳۸۷، دیوان اشعار عطار، انتشارات خانه فرهنگ، نشر گلزار، تهران.
- ۲۰- -----، ۱۳۶۲، دیوان عطار، چاپ تقی تفضلی، تهران.
- ۲۱- عمید، حسن، ۱۳۶۷؛ فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
- ۲۲- متین، پیمان، ۱۳۸۳، پوشاک ایرانیان، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
- ۲۳- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، ج ۱۳، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، دارالحدیث، قم.
- ۲۴- محمد پادشاه بن غلام محیی الدین شاد، آندراج، ۱۳۶۳، فرهنگ جامع فارسی، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران.
- ۲۵- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۳، مسئله حجاب، نشریه انجمن اسلامی، تهران.
- ۲۶- معتمدی، عبدالهادی، ۱۳۸۰، رودان بهشت جنوب، چی چی کا، بندرعباس.
- ۲۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۹، ج ۱، امیرکبیر، تهران.
- ۲۸- موحد، جمیل، ۱۳۸۴، بستک و خلیج فارس، بال کبوتران، تهران.
- ۲۹- چهاردهی، میرزا محمدعلی، آذر ۱۳۴۵، مجله ارمان، دوره سی و پنجم، شماره ۹، تهران.
- ۳۰- نظامی گنجه ای، ۱۳۴۴، کلیات خمسه، امیرکبیر، تهران.
- ۳۱- نوریخس، حسین، ۱۳۶۹، جزیره قشم و خلیج فارس، امیرکبیر، تهران.